



تشکیل یابی کارگران روزمزد:

گامی ضروری برای مبارزه با بی عدالتی

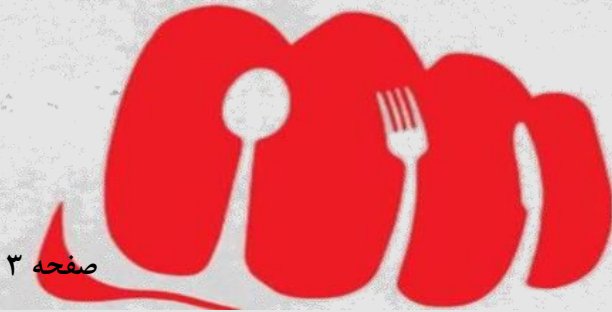
امروزه موج بیکاری، فقر، و بی مسکنی بیش از پیش بر زندگی کارگران و زحمتکشان سایه افکنده و قشر آسیب پذیر جامعه را به شدت تحت فشار قرار داده است. در میان این گروه، کارگران فصلی، خدماتی و روزمزد در شرایطی به مراتب بحرانی تر قرار دارند. این گروه که اغلب به دلیل نبود قراردادهای رسمی و حمایت های قانونی در موقعیتی ناپایدار قرار دارند، بیش از سایر اقشار کارگری از تشدید بحران های اقتصادی متأثر می شوند.

افزایش بی رویه قیمت مایحتاج اساسی، که به طور مستقیم زندگی روزمره کارگران را تحت تأثیر قرار می دهد، همراه با کاهش قدرت خرید و تورم فزاینده، فشار اقتصادی بر این قشر را به حدی رسانده که تأمین نیازهای اولیه همچون خوراک، پوشاک و سرپناه به چالشی جدی تبدیل شده است. علاوه بر این، فساد گسترده در ساختارهای حکومتی، اختلاس های کلان و سیاست های اقتصادی نادرست موجب تعمیق بحران های معیشتی شده است. این عوامل، همراه با بی ثباتی شغلی و فقدان حمایت های اجتماعی، کارگران روزمزد و فصلی را به حاشیه های اقتصادی و اجتماعی رانده است.

کارگران این بخش برای بقای خود ناچار به پذیرش هرگونه شرایط کاری، حتی با دستمزدهای پایین و بدون امنیت شغلی، شده اند. عدم دسترسی به بیمه های تأمین اجتماعی و بیکاری، آن ها را در برابر کوچک ترین بحران ها آسیب پذیرتر کرده است.

ادامه در صفحه ۲

سه شنبه های نه به اعدام اعتصاب غذای زندانیان علیه اعدام



صفحه ۳

به مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد ۱۶ آذر

روز دانشجو

صفحه ۴

فراخوان حزب کمونیست کوبا به احزاب، جنبش های اجتماعی مردمی، نیروهای چپ بین المللی و تمامی جنبش ها و مجامع همبستگی با کوبا در سراسر جهان

صفحه ۵

آیا کسی از انقلابیون جان به در برده از خیزش ۲۰۱۱

سوریه، نیروهای کارگری و ستمدیدگان، تجارب

مبارزاتی آنان، امکانات و نیازهای کنونی

مبارزاتی شان خبری دارد؟

صفحه ۶

وحدت اندیشه و عمل

کوتاه درباره ی تئوری پراکسیس مارکس

صفحه ۶

محیط کار یا میدان مرگ؟

زندگی در میان شعله های آتش و سقوط پاتیل های مرگ

تشکلیابی کارگران روزمزد:

گامی ضروری برای مبارزه با بی‌عدالتی

ادامه از صفحه اول

در نتیجه، این گروه از کارگران مجبورند به‌طور روزانه برای پیدا کردن کار موقت به خیابان‌ها، محلات کارگری و بازارهای کار غیررسمی مراجعه کنند، در حالی که آینده‌ای نامشخص پیش روی آنان قرار دارد.

این وضعیت نه تنها معیشت این کارگران را به خطر انداخته، بلکه فشارهای روانی ناشی از عدم اطمینان به آینده و ناتوانی در تأمین نیازهای خانواده، آنان را به سمت ناامیدی و سوق می‌دهد. چنین شرایطی زمینه‌ساز تشدید اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی است که می‌تواند به اشکال مختلف، از جمله خیزش‌های ناگهانی، خود را نشان دهد.

موانع سازماندهی

براساس آمارهای رسمی، بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران دارای قراردادهای موقت هستند و از حداقل حقوق و مزایای کارگری محرومند. در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کرونا، کارفرمایان به جای ایجاد محیط کار ایمن و تضمین بهداشت، بسیاری از کارگران را به مرخصی اجباری بدون حقوق فرستادند یا به طور کلی اخراج کردند. کارگران مشاغل کوچک و متوسط، که نزدیک به ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند، نه تنها از بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند، بلکه از حداقل تضمین شغلی نیز برخوردار نیستند.

پراکندگی در مشاغل مختلف، عدم وجود قراردادهای رسمی، و ماهیت موقت کار، سرکوب سیستماتیک رژیم و قوانین محدودکننده، مانع از ایجاد هرگونه تشکل مستقل و پایدار برای این کارگران شده است. این وضعیت باعث شده است

که این گروه از کارگران از حداقل انسجام، آگاهی طبقاتی، و ارتباطات ضروری برای دفاع از حقوق خود محروم باشند. از سوی دیگر، تشکلهای موجود کارگری و سازمان‌های مدافع حقوق کارگران نیز اغلب توجه کافی به این قشر از کارگران را نداده‌اند.

ضرورت آگاهی‌بخشی و سازماندهی در میان کارگران حاشیه‌نشین

در شرایط کنونی که اعتصابات و اعتراضات کارگری در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی جریان دارد، پرداختن به وضعیت کارگران فصلی و روزمزد و تلاش برای سازماندهی آنان ضروری است. این کارگران که به دلیل شرایط زندگی در محلات حاشیه‌ای و فشارهای اقتصادی به شدت آسیب‌پذیرند، پتانسیل بالایی برای مشارکت در مبارزات اجتماعی دارند. تاریخ اعتراضات و خیزش‌های اخیر نشان می‌دهد که این گروه، علی‌رغم پراکندگی، در بسیاری از موارد محرک اصلی اعتراضات بوده‌اند.

رژیم نیز از این ظرفیت آگاه است و به همین دلیل، علاوه بر سرکوب مستقیم، اقدام به سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی در محلات کرده تا هرگونه حرکت اعتراضی را در نطفه خفه کند. با این حال، فقر و محرومیت گسترده همچون آتشی زیر خاکستر است که با کوچک‌ترین جرقه‌ای می‌تواند به خیزشی فراگیر تبدیل شود.

راهکارهای عملی برای تقویت سازماندهی و همبستگی

ایجاد کمیته‌ها و تشکلهای مخفی و نیمه‌علنی در میان کارگران فصلی، خدماتی و روزمزد یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر سازماندهی این قشر است. این کمیته‌ها می‌توانند در ابتدا با جمع‌آوری و برجسته کردن خواسته‌های فوری کارگران،

نظیر حق کار، مبارزه با اخراج‌ها، تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، اعتماد توده‌ها را جلب کنند. همچنین، این تشکلهای می‌توانند از طریق ایجاد ارتباط با کمیته‌ها و تشکلهای کارگری در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی بزرگ، هماهنگی لازم را برای گسترش مبارزات کارگری فراهم کنند.

این تلاش‌ها نه تنها به افزایش آگاهی و انسجام کارگران کمک می‌کند، بلکه امکان شکل‌گیری مبارزات سراسری و هدفمند را فراهم می‌آورد. در این میان، شعارهایی نظیر «کار، مسکن، آزادی» می‌تواند محور اتحاد این مبارزات باشد و خواسته‌های مشترک را در سطح ملی مطرح کند.

چشم‌انداز آینده

وظیفه فعالان و پیشروان جنبش کارگری است که تلاش کنند با ایجاد این تشکلهای، سطح آگاهی و سازماندهی کارگران را ارتقاء دهند. این کمیته‌ها می‌توانند از دل مبارزات روزمره و با جمع‌بندی تجارب و خواسته‌های کارگران، به شکل‌گیری خیزش‌های آگاهانه و سازمان‌یافته کمک کنند. در شرایط مناسب انقلابی، این تلاش‌ها می‌توانند به تأمین رهبری انقلابی لازم برای هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان منجر شوند.

پایداری و گسترش این تشکلهای، حتی در ابعاد کوچک، می‌تواند به تدریج به ایجاد شبکه‌ای گسترده از کمیته‌ها و تشکلهای کارگری در سراسر کشور بینجامد که توانایی سازماندهی و رهبری جنبش کارگری را در مقیاسی بزرگ‌تر داشته باشند. این مسیر اگرچه دشوار و پرچالش است، اما تنها راه ممکن برای خروج از وضعیت اسفناک کنونی و دستیابی به حقوق انسانی و اجتماعی کارگران است.

سه شنبه های نه به اعدام اعتصاب غذای زندانیان علیه اعدام



گسترش کارزار سه شنبه های نه به اعدام»

به ۲۷ زندان در چهل و هفتمین هفته

سیاسی که از ۱۵ سال پیش ظالمانه در زندان به سر می برد و به اعدام محکوم شده، اخیراً به انفرادی منتقل شده است و بیم آن می رود که حکم او اجرا گردد.

در روزهای گذشته، تعدادی از زندانیان در زندان طبس در استان خراسان جنوبی و زندان خورین ورامین، طی نامه هایی جداگانه اعلام کردند که در اعتراض به افزایش آمار اعدام ها به کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» می پیوندند و هر هفته در روز سه شنبه دست به اعتصاب غذا خواهند زد. با این اقدام، تعداد زندان های شرکت کننده در هفته چهل و هفتم این کارزار به ۲۷ زندان افزایش یافته است. کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» بار دیگر با هشدار جدی نسبت به جان زندانیان محکوم به اعدام اعلام می کند که این کارزار برای مقابله با احکام اعدام تشکیل شده است. چنانکه این حکومت برای بقای خود به اعدام های گسترده دست می زند، ضروری است که با هر شکل ممکن در برابر این اقدام ضدانسانی ایستادگی کنیم. باید صدای زندانیان محکوم به اعدام و خانواده های آنان را به گوش جهانیان رساند.

فعالان این کارزار از عموم هموطنان می خواهند که با ابتکار عمل و مقاومت در برابر ماشین اعدام و سرکوب این حکومت استبدادی، زندانیان زیر حکم اعدام را یاری دهند. یقیناً روزی فرا خواهد رسید که بیداری عمومی به برچیدن چوبه های دار در ایران منجر خواهد شد.

با پیوستن زندان های «طبس» و «خورین ورامین» به کارزار «سه شنبه های نه به اعدام»؛ گسترش کارزار به ۲۷ زندان در چهل و هفتمین هفته

چنان که شاهد هستیم، در ماه های اخیر آمار اعدام ها به اوج خود رسیده و حکومت جنایت کارانه از هر فرصتی برای گرفتن جان انسان ها استفاده می کند.

پس از سقوط حکومت خاندان جنایتکار اسد در سوریه، کارخانه مواد مخدری که وابسته به «حکومت ولایت فقیه» بود کشف شد. در آنجا ده ها تن مواد مخدر انبار و به نقاط مختلف جهان توزیع می شد. این در حالی است که روزانه شاهد اعدام زندانیانی در ایران به اتهام نگهداری چند گرم مواد مخدر هستیم. به طوری که از سه شنبه گذشته تاکنون دست کم ۴۰ تن اعدام شده اند که تعدادی از آنان به اتهام مواد مخدر به دار آویخته شدند. مردم مظلوم سیستان و بلوچستان که در محرومیت گسترده و تحت ستم مضاعف قرار دارند، در این هفته نیز دست کم ۱۰ نفر از اعدام شدگان را شامل می شوند.

در ادامه این سرکوب ها، در چند روز گذشته، محمدامین مهدوی شایسته که در دادگاه بدوی و در روندی مبهم و ناعادلانه به اتهام جاسوسی محکوم به اعدام شده، به زندان قزلحصار منتقل شده است. خطر تأیید و اجرای حکم اعدام برای او وجود دارد. همچنین سامان محمدی خیاره، زندانی

به مناسبت هفتاد و یکمین سالگرد ۱۶ آذر، روز دانشجو

جوانان و دانشجویان مبارز!

امسال در شرایطی ۱۶ آذر روز دانشجو را گرامی می‌داریم که علاوه بر تشدید بحران اقتصادی، مشکلات اجتماعی و سرکوب سیاسی در داخل کشور، آتش جنگ و خونریزی در منطقه ادامه دارد. نسل‌کشی فلسطینی‌ها و جنگ در لبنان و سوریه در حال گسترش است. با تداوم بحران اقتصادی، دول امپریالیستی به جنگ و کشتار روی آورده‌اند. قدرت‌های بزرگ در هراس از رویارویی‌های هسته‌ای عمدتاً با سازماندهی و تسلیح دول وابسته و گروه‌های ارتجاعی مختلف با ایجاد تنش و راه انداختن جنگ‌های نیابتی اهداف خود را دنبال می‌کنند. لاینحل ماندن مسئله فلسطین، ادامه نسل‌کشی دولت اسرائیل با حمایت تمام قد دول غربی، نا رضایتی و نفرت توده‌های کار و زحمت از دولت‌های مستقر سرمایه‌داری خودی و فقر و بیکاری میلیونی و سرکوب جنبش‌های اجتماعی، احزاب و سازمان‌های انقلابی و تشکل‌های کارگری و توده‌ای از یک سو و وجود گسل‌های متعدد اجتماعی، ملی، مذهبی و غیره از سوی دیگر زمینه را برای سازماندهی و تقویت گروه‌های نیابتی مرتجع توسط قدرت‌های امپریالیستی و دول مختلف منطقه فراهم آورده است. در حال حاضر هیچ کدام از طرفین درگیر حامل حتی ذره‌ای از ترقی خواهی هم نیستند تا چه رسد به نمایندگی خواست‌ها و اهداف و آرزوهای آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه توده‌های تحت ستم و استثمار که در زیر بمباران‌ها و جنگ‌های خون بار جان و زندگی شان را از دست می‌دهند.

اتحاد - مبارزه - پیروزی

درگیری و جنگ و رقابت میان دول سرمایه داری در منطقه خاورمیانه همچنان در حال گسترش است. بعد از غزه و لبنان اکنون سوریه نیز وارد دور جدیدی از جنگ و کشتار شده

است. امپریالیست‌ها و دول مرتجع منطقه ارتجاعی‌ترین گروه‌های مذهبی را سازمان داده، تسلیح کرده و به جان مردم انداخته‌اند. خطر گسترش جنگ و درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی نیز که خود یکی از طرفین این جنگ‌ها و درگیری‌ها بوده است دور از انتظار نیست. در حالی که جنبش‌های اجتماعی بر غم سرکوب‌گری‌های رژیم همچنان از هر فرصتی برای دست زدن به اعتراضات و اعتصابات استفاده کرده و هر روز شاهد شکل‌گیری مبارزات اقشار مختلف مردم به اشکال مختلف هستیم. در چنین شرایطی با شعار **اتحاد - مبارزه - پیروزی**، شعار دیرینه جنبش دانشجویی ایران توده‌های مردم را به اتحاد و گسترش مبارزه فرا بخوانیم. در اوضاع حساس کنونی تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی توده‌های مردم، افشای ماهیت امپریالیستی و سرمایه دارا نه جنگ، نقش مخرب امپریالیسم، ناسیونالیسم، شوونیسم و مذهب و کمک به شکل‌گیری و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگران و دیگر زحمتکشان، تلاش برای تشکلیابی و اتحاد جنبش‌های اجتماعی در یک جبهه انقلابی به‌منظور مقابله با جنگ و کشتار و با هدف سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه مبتنی بر شوراها از اهم وظائف فوری ما محسوب می‌شود.

جوانان و دانشجویان مبارز و پیش رو

۱۶ آذر یکی از جلوه‌های مبارزه توده‌های زحمتکش مردم ایران به‌ویژه جوانان علیه استبداد و خودکامگی طبقه حاکم و امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی محسوب می‌شود. یادواره‌ای است از مبارزه برای آزادی و به‌دست گرفتن حق تعیین سرنوشت خویش، همچنین سمبلی است از مبارزه دانشجویان برای تحقق آزادی، سوسیالیسم و دنیائی آری از ستم و استثمار و

زور سرکوب. مبارزه‌ای که هم چنان ادامه دارد. و هنوز به‌دلیل مقاومت سرسختانه طبقات ارتجاعی حاکم به نتیجه قطعی نرسیده است و برای تحقق خواست‌ها و آمال و آرزوهای انسانی نسل‌های گذشته، از جمله دانشجویانی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ جان فدا کردند راه درازی در پیش است و باید با شعار تاریخی **اتحاد - مبارزه - پیروزی** به مشکلات و موانع سر راه فائق آمد و به مبارزه‌ای آگاهانه‌تر و طبقاتی‌تر و سازمانیافته‌تر و با برنامه‌تر دست یازید و آنرا گسترش داد.

گرامی باد یاد همه دانشجویانی که برای

آزادی و رهائی از ستم و استثمار و زور و

سرکوب جان فدا کردند.

گرامی باد هفتاد و یکمین سالگرد ۱۶ آذر

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۶

آذر ۱۴۰۳

فراخوان حزب کمونیست کوبا به احزاب، جنبش‌های اجتماعی مردمی، نیروهای چپ بین‌المللی و تمامی جنبش‌ها و مجامع همبستگی با کوبا در سراسر جهان



در روزهایی که جهان با بحران‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و جنگ و ویرانی زیست‌محیطی دست و پنجه نرم می‌کند، مردم کوبا تحت یکی از سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین محاصره‌های اقتصادی تاریخ معاصر قرار دارند. محاصره‌ای که نه تنها اقتصاد این کشور را هدف گرفته، بلکه زندگی روزمره مردم کوبا را به شکلی جدی تحت تأثیر قرار داده است.

حزب کمونیست کوبا در فراخوانی، از تمامی نیروهای چپ، جنبش‌های اجتماعی، احزاب مترقی و حامیان بین‌المللی خواسته است تا در این لحظه حساس، حمایت‌های خود را از این کشور افزایش دهند. این فراخوان، علاوه بر اشاره به دشواری‌های ناشی از محاصره و بحران‌های طبیعی اخیر، به مقاومت و ایستادگی مردم کوبا در برابر این چالش‌ها پرداخته و بر اهمیت همبستگی جهانی برای ساختن جهانی بهتر تأکید می‌کند.

متن کامل این فراخوان،

ترجمه از کمیته انترناسیونال سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

فراخوان حزب کمونیست کوبا به احزاب، جنبش‌های اجتماعی مردمی، نیروهای چپ بین‌المللی و تمامی جنبش‌ها و مجامع همبستگی با کوبا در سراسر جهان

در آخرین روزهای ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، محاصره اقتصادی که از سال ۱۹۶۲ توسط دولت ایالات متحده علیه کوبا اعمال شده بود، به شکلی بی‌سابقه تشدید شد. ترامپ با وضع بیش از ۲۴۰ مصوبه، محدودیت‌های اقتصادی، تجاری و مالی را علیه کوبا به شدت افزایش داد. اجرای قانون «هلمز-بورتون» و اعمال بند سوم آن، موجب شد که معاملات بین‌المللی کوبا با کشورهای دیگر مختل شود. این سیاست‌ها، همراه با تبلیغات

منفی و بی‌وقفه رسانه‌ای و تلاش‌های مداوم برای ایجاد بحران و بی‌ثباتی در داخل کشور، نشان‌دهنده عزم ایالات متحده برای بازگرداندن کوبا به وضعیت پیش از انقلاب است.

این سیاست‌های جنایتکارانه و محاصره اقتصادی ظالمانه، ماهیتی نسل‌کشی دارد و مردم کوبا را با سخت‌ترین شرایط زندگی روزمره مواجه کرده است. بحران انرژی که در حال حاضر کشور ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند، شرایط را وخیم‌تر کرده است. کنترل و ممنوعیت معاملات اقتصادی توسط آمریکا، از تأمین مواد سوختی مورد نیاز کشور جلوگیری کرده است. این مواد سوختی که نیروی حیاتی تولید برق در کشور به آن وابسته است، در محاصره آمریکاست. نتیجه این اقدامات، وخامت روزافزون زندگی مردم و خسارات اقتصادی بی‌سابقه‌ای است که بر کشور تحمیل شده است.

علاوه بر این، وقوع دو طوفان سهمگین به نام‌های اوسکار و رافائل در ماه‌های گذشته و همچنین دو زلزله بزرگ که ظرف تنها ۱۵ روز رخ دادند، شرایط را به شدت دشوارتر کرده است.

با وجود این شرایط سخت، مردم کوبا همراه با حزب و دولت خود مقاومت خستگی‌ناپذیری را نشان داده‌اند. این مقاومت، نماد همبستگی و اراده

جمعی مردم کوبا برای ایستادگی و پیروزی است. ما همچنان تلاش می‌کنیم تا اقتصاد خود را زنده نگه داریم و جامعه‌ای عادلانه، انسانی و مبتنی بر همبستگی بسازیم.

در این مسیر، بار دیگر از شما، نیروهای مترقی و حامیان کوبا، می‌خواهیم که حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و همچنین کمک‌های مادی خود را افزایش دهید. تلاش شما در حمایت از پروژه‌های جمع‌آوری اقلام و مایحتاج مورد نیاز برای مردم کوبا، تأثیر بسزایی در کاهش فشارهای این محاصره خواهد داشت.

کوبا هرگز تسلیم نخواهد شد. ما به حمایت و همراهی شما و تمامی دوستان و هم‌پیمانان‌مان ایمان داریم تا در کنار یکدیگر، مبارزه برای جهانی بهتر را پیش ببریم.

همبستگی را نمی‌توان محاصره کرد

«کسی که امروز در کنار کوبا ایستاده است، راه آینده را باز می‌کند.»

— خوزه مارتی

حزب کمونیست کوبا

۱۶ دسامبر ۲۰۲۴

آیا کسی از انقلابیون جان به در برده از خیزش ۲۰۱۱ سوریه، نیروهای کارگری و ستمدیدگان، تجارب مبارزاتی آنان، امکانات و نیازهای کنونی مبارزاتی‌شان خبری دارد؟

مهرنوش شفیعی

جنگ امپریالیست‌ها خلاصه می‌شود؟

آیا کسی از انقلابیون جان بدر برده از خیزش ۲۰۱۱ خبری دارد؟ از نیروهای کارگری و ستمدیدگان و تجارب مبارزاتی‌شان، امکانات و نیازهای کنونی مبارزاتی‌شان، آنانی که امید رهایی از این هستی برده‌وار هستند سخنی در میان نیست! آیا آزادیخواهان و سوسیالیست‌هایی در آنجا نیستند؟ که ما از آنها هم بگوئیم، آنهایی که در هیچ کجای این دنیای دهشتبار جنگ و سرمایه‌صدایی ندارند. شاید راهی باشد، شاید بتوانیم دست یاری بهم دهیم!

مهرنوش شفیعی - دسامبر ۲۰۲۴

• فوروم سرخ متشکل بود از گروه‌های سوسیالیست، از نخله‌های مختلف، در استکهلم و علیه سیاست‌های سرمایه‌دارانه، راسیستی و سرکوب‌گرانه و در حمایت از جنبش‌های اجتماعی و انقلابی در کشورهای مختلف، فعالیت می‌کرد. فعالیت‌های این جمع چندین سال ادامه داشت

پ.ن: فریدا آفاری سال ۲۰۱۶ چند مصاحبه با تعدادی از مبارزین سوری انجام داده است که تا حدودی، خیزش انقلابی ۲۰۱۱، نقش ج.ا. و چپی که اسد را ضد امپریالیست می‌دانست را توضیح داده‌اند، این مصاحبه‌ها در اینترنت قابل دسترسی هستند.

سنگینی بود که بر اکثریت مخالفین جمهوری اسلامی و از جمله چپ، به معنای گسترده آن و حتی بخشی از چپ جهانی سایه انداخته بود. این رفقای سوری به حاکمان، نیروها و جراید و مطبوعات سرمایه‌داری توهمی نداشتند، نقدشان رو به انسانها و نیروهایی بود که علیه سلطه، استثمار و سرمایه‌بودند. و انتظار حمایتی که پاسخ نگرفته بود.

اعتراضات در سوریه از ماه ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد که طبق آمار رسمی در جریان آن بیش از ۵۰۰۰ نفر از معترضان، توسط نیروهای نظامی و امنیتی دولت بشار اسد، با کمک موثر جمهوری اسلامی ایران کشته و حدود ۱۴ هزار نفر دستگیر شدند و همزمان ۱۵۰۰ نفر از زندانیان سلفی و رهبران‌شان آزاد شدند.

و اکنون بعد از گذشت حدود ۱۳ سال جنگ و نابودی، قدرت سیاسی از دستی به دست دیگر داده شده است. هردو دستان خونبار و در خدمت سرمایه و ارتجاع.

درهای زندانها باز شدند و متأسفانه امیدی نیست دوباره از دیگر انسانها و شاید بخشی از همان قدیمی‌ها پر نشوند. مردم لبریز از رنج، غوطه‌ور در سیلاب اشگ، عزیزانشان را در آغوش می‌کشند، شاید فرصت در همین لحظه تمام شود، همین قدر کوتاه.

ولی آیا سخن از سوریه، فقط و فقط به بنیادگرایان، جانین داعشی، تحریر شام، جولانی و بشار اسد، آمریکا، روسیه، ترکیه، ایران و

در یکی از جلسات فوروم سرخ*، اگر اشتباه نکنم ۲۰۱۴، دو رفیق از سوریه نقد مشخصی را نسبت به ما، فعالین سوسیالیست ایرانی مطرح کردند. چرا سوسیالیست‌ها و چپ‌های ایران از جنبش انقلابی ۲۰۱۱ سوریه حمایت نکردند؟ جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در سرکوب جنبش انقلابی سوریه داشت چرا علیه رژیم حاکم بر ایران افشاء‌گری نشد، چرا اعتراضی صورت نگرفت؟؟ رفیق‌مردی که از همین زندان صیدنایا - اکنون فیلم‌هایی از آنرا می‌بینیم، رها شده بود، همراه با رفیق زنی که از روند مبارزات آن دوران، روند شکل‌گیری «کمیته‌های هماهنگی محلی» در مارس ۲۰۱۱، و نقشی که این کمیته‌ها در هماهنگی و رهبری جنبش داشتند سخن می‌گفتند. از اینکه آن جنبش با خواست آزادی و عدالت اجتماعی پا به میدان گذاشته بود، از گستردگی این جنبش و چگونگی سرکوب آن، از به نابودی کشاندن کمیته‌های انقلابی، از اخراج دسته‌جمعی کارگران معترض و کشتار آنان، از به اسارت کشاندن گسترده معترضین، زنان و مردان آزادیخواه، سوسیالیست و آنارشیت، از پر شدن زندانها و استفاده‌ی از گاز سارین برای کشتن غیر نظامیان معترض در یکی از حومه‌های دمشق در اوت ۲۰۱۳ و همچنین نقش سنگین جمهوری اسلامی ایران در این سرکوب و باز شدن میدان برای رشد هر چه بیشتر نیروهای بنیادگرا و سلفی در پی جای خالی انقلابیون.

البته، آنزمان بودند فعالین سوسیالیست و انقلابی که از جنبش انقلابی سوریه حمایت کرده بودند ولی آنچه بیشتر خودنمایی می‌کرد سکوت

وحدت اندیشه و عمل

کوتاه درباره‌ی تئوری پراکسیس مارکس

تئوری پراکسیس (Praxis) در اندیشه کارل مارکس مفهومی بنیادی است که درک آن می‌تواند کلید فهم جهان‌بینی او باشد. واژه “پراکسیس” که ریشه‌ای یونانی دارد، به معنای عمل آگاهانه و معنادار است؛ اما در تفسیر مارکسیستی، این واژه فراتر از عمل صرف است و به وحدت اندیشه و عمل در جهت تغییر جهان اشاره دارد.

پراکسیس چیست؟

مارکس معتقد بود که فلسفه نباید تنها به تفسیر جهان محدود شود، بلکه وظیفه اصلی آن تغییر جهان است. این جمله معروف از او در تزهایش درباره فویرباخ، جوهر تئوری پراکسیس را بیان می‌کند:

“فلاسفه تنها جهان را به شیوه‌های مختلف تفسیر کرده‌اند؛ مسئله این است که آن را تغییر دهیم”.

پراکسیس در نگاه مارکس یعنی عمل آگاهانه‌ای که با تفکر انتقادی و فهم اجتماعی-تاریخی همراه است. این عمل نه تنها برای بقا یا تطبیق با جهان انجام می‌شود، بلکه هدف آن تغییر ساختارهای ناعادلانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

تفکر و عمل: یک رابطه دیالکتیکی

مارکس پراکسیس را در چارچوب دیالکتیک بررسی می‌کند. او معتقد بود که اندیشه و عمل از هم جدا نیستند، بلکه در یک رابطه متقابل و پویا قرار دارند. اندیشه بدون عمل به یک سرگرمی انتزاعی تبدیل می‌شود و عمل بدون اندیشه، کور و بی‌هدف خواهد بود.

به عبارت ساده، مارکس می‌گوید برای تغییر جهان، باید آن را شناخت؛ اما شناخت تنها کافی نیست، بلکه باید بر اساس این شناخت دست به عمل زد.

در تئوری مارکس، انسان موجودی است که در

تاریخ خودش عمل می‌کند و تاریخ از طریق پراکسیس انسان شکل می‌گیرد. مارکس بر خلاف بسیاری از فیلسوفان پیش از خود، تاریخ را محصول اراده الهی یا نیروهای خارج از کنترل بشر نمی‌داند. او تاریخ را نتیجه‌ی عمل اجتماعی انسان‌ها در چارچوب شرایط مادی‌شان می‌دید.

به عبارت دیگر، انسان‌ها نه تنها ساخته‌شده تاریخ‌اند، بلکه سازندگان تاریخ نیز هستند. این سازندگی از طریق کار، مبارزه و تغییر ساختارهای اجتماعی-اقتصادی امکان‌پذیر می‌شود.

پراکسیس و مبارزه طبقاتی

مارکس معتقد بود که پراکسیس در خدمت مبارزه طبقاتی قرار دارد. او سرمایه‌داری را سیستمی می‌داند که در آن طبقه کارگر از طریق استثمار نیروی کارش تحت سلطه قرار می‌گیرد. پراکسیس در اینجا به معنای سازماندهی، آگاهی طبقاتی و انقلاب برای سرنگونی این ساختار ناعادلانه است.

پراکسیس انقلابی مارکس بر این ایده استوار بود که طبقه کارگر باید از نقش “ابزار تولید” فراتر رفته و به سوژه‌ای فعال در تغییر اجتماعی تبدیل شود.

پراکسیس و کار

مارکس در تحلیل خود از کار (Labor)، آن را یکی از اصلی‌ترین اشکال پراکسیس می‌داند. در نظام سرمایه‌داری، کارگر از محصول کار خود بیگانه می‌شود، چرا که نتیجه زحمات او به سود سرمایه‌دار می‌انجامد. پراکسیس در این زمینه به معنای بازگرداندن کار به جایگاه واقعی آن، یعنی فعالیت خلاقانه و انسانی، است.

پراکسیس در برابر تئوری صرف

مارکس با انتقاد از فیلسوفان ایده‌آلیست، به ویژه هگل، فلسفه را از اسارت در قلمرو ذهنی آزاد

کرد. او می‌گفت تئوری باید در عمل ریشه داشته باشد و فلسفه‌ای که در عمل اجتماعی نمود پیدا نکند، نمی‌تواند به رهایی بشر کمک کند. به زبان ساده، مارکس بر این باور بود که “فکر کردن” بدون “عمل کردن” بی‌معنی است، و “عمل کردن” بدون “فکر کردن” بی‌ثمر.

اهمیت پراکسیس در جهان امروز

در دنیای امروز، مفهوم پراکسیس همچنان زنده است. از جنبش‌های عدالت‌خواهانه گرفته تا تلاش‌های کارگری برای حقوق برابر، همه نشان‌دهنده عملی آگاهانه برای تغییر وضعیت موجود هستند. اگرچه سرمایه‌داری همچنان به شکل‌های پیچیده‌تری ادامه دارد، ایده مارکس درباره پراکسیس یادآور این است که هیچ تغییری بدون شناخت عمیق و عمل آگاهانه ممکن نیست. پراکسیس مارکس ما را به تفکری دعوت می‌کند که در خدمت عمل باشد؛ عملی که برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی تلاش کند. این تئوری ساده به نظر می‌رسد، اما نیروی آن در پیوند عمیقش میان اندیشه و عمل نهفته است. پیام اصلی مارکس این است که تغییر جهان نه یک آرزو، بلکه یک وظیفه است، و این وظیفه با پراکسیس آغاز می‌شود. این مفهوم می‌تواند الهام‌بخش همه کسانی باشد که به دنبال دنیایی بهتر هستند، چرا که نشان می‌دهد انسان‌ها نه تنها قربانی شرایط‌اند، بلکه قدرت تغییر آن را نیز دارند.

محیط کار یا میدان مرگ؟

زندگی در میان شعله‌های آتش و سقوط پاتیل‌های مرگ

زندگی در ایران جمهوری اسلامی زده، بهایی سنگین دارد. اگر شانس یارتان باشد و پس از هزاران مشقت کاری پیدا کنید، جان سالم بردن از طمع بی‌پایان صاحبان سرمایه و بی‌توجهی نظام به ابتدایی‌ترین حقوق کارگران، دیگر معجزه‌ای خواهد بود. در کشوری که استثمار به مرزی فراتر از استثمار رسیده، محیط‌های کار نه تنها محل درآمد، بلکه میدان مین برای کارگران است؛ جایی که هر لحظه ممکن است فقدان تجهیزات ایمنی، جان یک انسان را بگیرد.

روز دوشنبه ۱۲ آذر، در کارخانه «فولاد سرخه» سمنان، سقوط پاتیل مواد مذاب از جرثقیل، عباسعلی طهماسبی را به کام مرگ فرستاد و دو همکار دیگرش را مصدوم کرد. تنها یک روز بعد، مهدی آیتی، یکی از مصدومان این حادثه، در بیمارستان جان باخت. همین هفته، صبح چهارشنبه ۱۴ آذر، در کارخانه روغن نباتی «سه گل خراسان» در نیشابور، چهار کارگر دیگر بر اثر آتش‌سوزی کشته و یک نفر مصدوم شدند. شدت دودگرفتگی علت مرگ سه نفر از آنان اعلام شده است.

این فجایع تنها نمونه‌ای از وضعیت بحران‌زده محیط‌های کاری در ایران است. طبق آمار سازمان پزشکی قانونی، تنها در سال ۱۴۰۲ بیش از دو هزار و ۱۱۵ کارگر در حوادث کاری جان باخته‌اند. کارگران ساختمانی، روزمزدها، و معدنچیان، به‌عنوان اقشاری که در معرض بیشترین خطر قرار دارند، اغلب حتی از ابتدایی‌ترین تجهیزات ایمنی محروم هستند. صاحبان سرمایه، در سایه بهشت جمهوری اسلامی ساخته، سودهای کلان خود را به قیمت جان این انسان‌ها انباشت می‌کنند.

وظیفه کمونیست‌ها تنها فورموله کردن تئوری انقلاب ایران نیست، بلکه تئوریزه کردن ساختمان آن حزب انقلابی است که وظیفه دارد پیوند تئوری و پراتیک را عملی و رهبری این انقلاب را عهده‌دار گردد. بنابراین اهمیت این تئوری در آن خواهد بود که نقطه آغازش بر جمع‌بندی انتقادی پراتیک گذشته به‌منظور فائق آمدن بر موانع راه آینده این پیروزی استوار باشد.

کار کمونیستی

نشریه سیاسی و تحلیلی

کارکمونیستی علاوه بر انعکاس

مواضع، نظرات و تحلیل‌های

سازمان، انعکاس دهنده مسائل

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه

های مختلف نیز هست. تحریریه

نشریه از میان مطالب رسیده انتشار مطالبی

را انتخاب و در الویت

قرار خواهد داد که مستقیماً برای

این نشریه ارسال شده باشند لذا

انتظار داریم انعکاس این مطالب

در سایر نشریات و سایت‌ها با ذکر

منبع و نام نویسنده صورت گیرد.

از طریق ایمیل ادرس زیر

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود

را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

تماس با سازمان اتحاد فداییان

کمونیست

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

تلگرام

<https://t.me/fedayi1349>

اینستاگرام

[@fedayi_communist](https://www.instagram.com/fedayi_communist)

صدای فدائی

[@fedayi.voice](https://www.fedayi.voice)